

## مبارزه با فساد:

### چشم اندازها و راه حل‌های بخش خصوصی

### اجرای ناکافی، متناقض و ناعادلانه قوانین و مقررات

#### قسمت دوم

اجرای ضعف قوانین یکی از عوامل و مؤلفه های مهم برای بروز فساد می باشد که اغلب از آن غفلت می شود. به عنوان نمونه کشورهای بیشماری هستند که با هدف محدود کردن فساد یا نابودی یکی از منابع فساد به وضع قانون مبادرت می کنند - مثلاً با تصویب قوانینی برای ساده کردن روند ثبت شرکت های تجاری - اما این قوانین مصوبه هرگز اجرا نمی شوند. عدم اجرای قانون سیستم دوگانه ای را بوجود می آورد ، به گونه ای که به نظر می رسد که مقررات صحیح برقرار باشند، ولی با این وجود فساد همچنان شایع است . شایان ذکر آنکه : دوایر و آژانسهای مجری قانون اغلب جز فاسدترین ادارات می باشند، خصوصاً در سطح محلی، چراکه شهروندان و شرکتهای تجاری ترجیح می دهند که به جای رویارویی با یک مجازات کیفری رشوه کوچکی را پرداخت کنند.

#### مجازات ضعیف و کم برای تخلفات

فساد همچنین در محیطهایی که خطر دستگیری و مجازات متخلفین را کمتر تهدید می کند، رونق می یابد. زمانیکه مجازات تعیین شده برای بر حذر داشتن از فساد ناکافی است و سیستم قضایی در برابر فساد کند عمل می کند، انگیزه برای ارتکاب رفتار فاسد بر هزینه ها و مجازات هایی نظیر انفصال از مقامی یا محکومیت زندان می چربد . همچنین خود فساد، خصوصاً فساد سیاسی، مجازات را تخفیف می بخشد . این اتفاق زمانی می افتد که متصدیان دولتی قادر باشند برای پنهان نمودن فساد از یکدیگر حمایت کنند . بعضی کشورها، مثل چین، سعی کرده اند تا با وضع و اعمال مجازات های شاق بر این مشکل فائق آیند، نظیر مجازات اعدام برای متصدیان رده بالایی که به جرم ارتکاب به فساد دستگیر می شوند . با این وجود این استراتژیها ناموفق بوده اند، چراکه هیچ اقدامی برای از بین بردن انگیزه ها و فرصتهای ارتکاب به فساد صورت نگرفته است. روسیه نیز به اطلاع رسانی ع مومی درباره ی موارد ارتکاب به فساد توسط متصدیان عالی رتبه و دستگیری و بازداشت این افراد در ملاً عام روآورده است . اما نظر غالب و متفقانه ای که در حال شکل گیری است بر این باور است که چنین اقداماتی نه تنها کمتر می تواند باعث توقف فساد بشود، بلکه هزینه های اضافی را موجب می شود، چراکه متصدیان فاسد دولتی به خاطر "خطر" گیرافتادن اجرت بیشتری را از مشتریان خود طلب می کنند . بنابراین، اگر

چه کیفر ضعیف تسهیل کننده فساد است، ولی رسیدگی به این معضل باعث بااعستی با اصلاحات سیستماتیک گسترده تر همراه باشد.

## مبارزه با فساد

در مراحل اولیه اقدامات ضد فساد مهم است که ممنوعیت بحث در مورد فساد شکسته بشود . برای شکستن تحریم در مورد بحث فساد مهم است . درحالیکه بحث فساد در اغلب کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است و پوشش رسانه ای آن فرا گیر است، کشورهای وجود دارند که در آنها موضوع فساد به خاطر حساسیت های سیاسی و پذیرش اجتماعی موجود قدغن می باشد. همچنین لازم است که طلسم افسانه هایی که موجب تقویت و تداوم فساد می شوند نیز شکسته بشود، افسانه هایی که بعضاً معتقدند که در کشورهای معینی فساد بخش لاینفک سنت و فرهنگ است.

این یکی از مشکلاتی است که مبارزه با فساد با آن روبرو است - جایی که فساد خودش به عنوان قسمی از زندگی روزانه تلقی شده و بطور گسترده مورد پذیرش واقع می شود. نظراتی مانند "این چیزیه که همیشه بوده ."، "کارش نمی شه کرد."، یا "موضوع خیلی حساسه، نمی شه راجع بهش بحث کرد، چون همه دارن اینکارو می کنن." متداول می باشند. برای بسیاری از مردم ننگیدن با فساد آسانترست - آسانتر است که به آن خو بگیرند و مکانیزمهایی برای مدیریت آن در زندگی روزمره بوجود آورند. بنابراین مهم است که به عموم مردم، جامعه تجاری و دولت نشان داده شود که فساد امری دائمی و اجتناب ناپذیر نیست - که می توان و باید با آن برخورد کرد.

اغلب کشورها با فقدان اراده ی سیاسی برای مبارزه با فساد مواجه هستند. اغلب اظهارات و جملات پرطمطراق و آراسته که توسط متصدیان عالی رتبه دولتی درباره اهمیت و لزوم اقدامات مبارزه با فساد بیان می شوند، هرگز در سطح محلی به زبان تعهد عملی برای مرتفع کردن مشکلات نهادی که استمرار و بقای فساد بسته به آنهاست، ترجمه نمی شوند . البته چنین وضعی مایه شگفتی و تعجب نیست، چراکه متصدیان محلی اغلب نفع برندگان اصلی فساد هستند، و در یک سیستم از هم گسسته آنها انگیزه چندانی برای از بین بردن این منبع سود شخصی ندارند . این فقدان اراده ی سیاسی باعث دلسردی بخش خصوصی و شهروندان قانونمند و قانون مدار می شود، چراکه در چنین وضعیتی اجرای اقدامات ضدفساد در محیطهایی که رهبران سیاسی مانع انجام اینگونه اقدامات می شوند و نهادهای دموکراتیک ضعیف این امکان را از شهروندان سلب می کنند تا رهبرانشان را در قبال اعمالشان مورد بازخواست قرار

دهند، غیرممکن به نظر می رسد. با این وجود فقدان اراده سیاسی به این معنا نیست که نمی توان چنین اراده ای را ایجاد نمود.

راههای متعددی برای ایجاد و پرورش اراده سیاسی لازم برای مبارزه با فساد وجود دارند، و بخش خصوصی و سازمان های دولتی (NGOs) در این روند نقش کلیدی ایفا می کنند. از یک طرف دیگر، می توان از نقطه نظر جهانی شدن به این مسئله نگریست. همانطور که تجارت جهانی گسترش بیشتری می یابد و روند جهانی شدن شرکت های مختلف تجاری از هر اندازه و نوع را تحت تاثیر قرار می دهد، فساد باعث می شود تا توان رقابت تجاری از میان برود و کشورهای فاسد سر از "لیستهای سیاه" سرمایه گذاران درآورند. این بدین معنی است که دولتها با چشم انداز یک اقتصاد ناتوان از رقابت روبرو می شوند، که معنای دیگر آن بی ثباتی سیاسی به دلیل کاهش درآمدهای دولت و ناتوانی در عرضه ی خدمات اجتماعی به مردمشان خواهد بود. از این منظر، بی اعتنایی به فساد برای سیاستمداران سخت تر و سخت تر می شود.

از طرف دیگر، مسئله سیاست از سطح عامه مردم قابل بررسی است، جاییکه سازمانهای نماینده بخش خصوصی مانند اتاقهای بازرگانی و انجمن های تجاری نه تنها می توانند با دولت درباره اصلاحات وارد گفتگو بشوند، بلکه خواهند توانست دولت را در یک گفتگو با جامعه تجاری وارد نمایند. به طور روزافزون، فساد یکی از موضوعات رده اول در روند انتخاباتی است، چراکه مقامات دولتی نمی توانند علاقه رأی دهندگانشان را برای ریشه کن کردن رشوه و اخاذی نادیده بگیرند.

اعتراف به اینکه فساد يك تهديد جدی برای توسعه اقتصادی است اصلاً کافی نیست. مرحله بعدی، شناسایی منابع ریشه ای فساد و تشریح چگونگی وقوع فساد می باشد - و این يك بازبینی زیربنایی از منابع و نهادهای قانونی و اجرایی کشوری است. الگوهی که به فساد منجر می شود در اغلب کشورها مشابه می باشد - و آن اغلب ترکیبی از قوانین و مقررات مبهم و غیرشفاف، قوانین مالیاتی پیچیده، مقررات بیش از حد و دست و پاگیر برای فعالیتهای تجاری، نیروی کار مازاد در ادارات دولتی و کمبود نوآوری تکنولوژی در این ادارات، نبود حسابرسی مستقل، محیط سازمانی ضعیف، کمبود مکانیزمهای حسابرسی و پاسخگویی و فقدان شفافیت در سیاستگذاری و در روابط بین دولت و دنیای تجارت.

بعد از شناسایی ریشه های فساد، قدم بعدی بسیج هیئت های حوزه های انتخاباتی کلیدی و تشکیل ائتلاف های ضدفساد می باشد. این یکی از کلیدهای تدوین استراتژیهای ضد فساد موفق است، زیرا فقدان مشارکت و هم کاری بین اعضای بخش خصوصی توانایی آنها را برای طراحی و اجرای اقدامات ضد فساد و دفاع از اصلاحات تضعیف می کند. یکی از بخش های مهم این مرحله برقراری یک گفتگوی سالم بین بخش خصوصی و دولت است برای حصول اطمینان از

اینکه سیاست‌هایی برای تحدید و کنترل فساد طراحی شده اند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه تجاری هستند. بخش خصوصی و اتاق‌های فکر مستقل از طریق فراهم کردن اطلاعات به موقع برای متصدیان دولت، يك نقش حیاتی را در طی این روند بازی می‌کنند. بسیج هیئت‌های حوزه‌های انتخاباتی کلیدی و تشکیل ائتلاف‌های ضدفساد منجر به طراحی و تدارک موفق برنامه‌های اجرائی و عملیاتی برخوردار از سیاست‌های ویژه ضد فساد می‌شود. با این وجود، در بسیاری از کشورها، اغلب مشکلات موقعی روی می‌دهد که زمان اجرا و اعمال سیاست‌های مذکور فرا می‌رسد. سیاست‌های ضد فساد اغلب روی کاغذ باقی می‌مانند در حالیکه فساد بطور روزمره استمرار دارد. اشراف مؤثر در مورد اجرا و ارزیابی برنامه‌ها حیاتی است.

<b>مبارزه با رشوه خواری : يك جعبه ابزار سیاسی</b>	
<p>مرکز بین المللی تجارت خصوصی (CIPE) با کمک سازمانهای شريك خود <b>يك جعبه ابزار سیاسی</b> را تدوین کرده است که پیشنهادات ویژه ای را در مورد سیاست‌ها و اقدامات ضروری برای تحدید و کنترل رشوه خواری ارائه می‌نماید. يك نسخه فشرده و خلاصه شده از این جعبه ابزار در اینجا ارائه می‌شود، و نسخه کامل آن در وب سایت CIPE به آدرس <a href="http://www.cipe.org">www.cipe.org</a> موجود می‌باشد.</p>	
<b>پیشنهادات در مورد بخش خصوصی</b>	<b>پیشنهادات در مورد بخش دولتی</b>
<p>توسعه مطبوعات و رسانه‌های مستقل که برای کشف و افشای موارد تقلب و فساد به ابزارهای برای آنالیز و تحلیل مجهز می‌باشند، می‌تواند نقش بازدارندگی از رفتار فاسد را داشته باشد</p> <p>درگیر کردن اتاق‌های فکر، بنگاه‌های تجاری و سایر سازمانهای غیردولتی (NGOs) در فرایند ضد رشوه خواری برای ایجاد درک عمومی نسبت به هزینه‌های فساد و جلب حمایت برای اصلاحات مورد نیاز</p> <p>توانمند نمودن سیستم قانون گذار ی برای اجرای کنوانسیون ضد رشوه خواری OECD کمک به ایجاد استانداردهای حسابداری</p>	<p>ایجاد قوانین صحیح خرید که مستلزم انجام مزایده‌ها و مناقصه‌های آزاد با هدف عملکرد پیش‌گیری از فساد می‌باشد</p> <p>لازم بودن حسابرسی و ممیزی مستقل هم برای خریدهای با مقیاس کوچک و هم برای خریدهای کلان که تأمین مالی آنها از طریق بانک‌های توسعه چند جانبه و یا سایر دستگاه‌های کمک‌کننده خارج کشوری صورت می‌گیرد</p> <p>اجرای اصلاح و ساده سازی قوانین به عنوان اقدامی که هدف از آن حذف موانع توسعه تجارت و کاهش فرصت‌های فساد می‌باشد</p> <p>سازمان‌های بخش خصوصی و اتاق‌های فکر</p>

<p>پذیرفته شده در سطح بین المللی و تعهد به تبعیت از آنها توسعه استانداردهای صحیح بنگاه داری، با استفاده از راهنمایی های عمومی OECD بعنوان شروع ترویج قوانین واضح در مورد تضاد منافع برای اعضای بخش دولتی جانداختن راهنمایی های روشن در مورد استانداردهایی که بر اساس آنها دوائر دولتی یارانه ها و معافیت ها از پرداخت جرایم، تعرفه ها و مالیات را اعطا می کنند</p>	<p>باعستگی دست به کار شده و فهرستی از موانع قانونی و مقررات تکراری موجود تهیه نمایند کاهش اقتصاد "سایه" چراکه کسانی که از سیستم کنار گذاشته می شوند، احتمال ارتکاب به رشوه خواری در آنها بیشتر است ساده سازی قوانین و مقررات مالیاتی حقوق مستخدمین دولتی باعستگی قابلیت رقابت با حقوق بخش خصوصی را داشته باشد</p>
--	---

### تدابیر

بسیاری از تدابیر مربوط به فساد و بنگاه داری ویژه نمی باشند - آنها ارتباط بین نقش حاکمیت قانون با میزان فساد را نمایان می کنند، اما نمی توانند مشخص کنند که برای کاهش فساد دقیقاً چه کاری باید صورت گیرد. بطور مشابه، مطالعاتی که نشان مستخدمین دولتی فاسد می باشند نقطه شروع خوب و مفیدی هستند ولی آنها اغلب عاجز از نشان دادن این مسئله هستند که چرا این مستخدمین دولتی فاسد می باشند.

همه کشورها مثل هم نیستند - و این سوال مطرح می شود که آیا رویه "یک سایز برای همه" یک رویکرد موفقیت آمیز خواهد بود. اگرچه فساد از نظر وسعت و معنا در کشورهای مختلف متفاوت است، اما در جوهره اش نظیر به درمانی مشابه دارد - یعنی اصلاح نهادها برای کارآمد ساختن آنها. چالش اکنون شناسایی نهادهایی است که در ایجاد یا رفع معضل فساد نقش کلیدی بازی می کنند و سپس در الویت قرار دادن فرایند اصلاح این نهادهاست. به عنوان مثال، در حالیکه برخی کشورها ممکن است نیاز به تخریب و نوسازی کامل سیستم مقررات نظارتی خود داشته باشند، سایر کشورها ممکن است از قوانین و مقررات مناسب برخوردار باشند ولی فاقد اجرای کافی مقررات باشند.

تدابیر و اقدامات ویژه برای تحدید فساد باعستگی به طور یکسان به هر دو بخش دولتی و خصوصی، یعنی هر دو طرف تقاضا و عرضه بپردازد. بخش خصوصی همیشه این مسئله را نمی پذیرد که در واقع یک منبع فساد است - به هر جهت در بسیاری از موارد رشوه پیش از آنکه

پذیرفته شود، پیشنهاد می شود و پیشنهاد رشوه مقدم بر پذیرش و دریافت آن است . اگر چه درست است که بخش خصوصی اغلب قربانی مقامات فاسد دولتی است که از قدرت خود جهت اخذ رشوه، بویژه از شرکت های کوچکتر، استفاده می کنند، با این وجود بخش خصوصی خود اغلب وقوع فساد را تسهیل می کند - مثل زمانیکه تجار سعی و قصد گرفتن امتیازات ویژه از دولت را دارند یا می خوه ند تا بر رقبای خود غلبه نمایند.

اقداماتی که به بخش عرضه فساد می پردازند، هدفشان تحدید توانائی بخش خصوصی برای ارتکاب داوطلبانه فساد است. تلاش ها در بخش تقاضای فساد از سوی دیگر ، هدفشان محدود سازی توانایی کارکنان بخش دولتی در گرفتن رشوه و استفاده از مقام دولتی برای منافع شخصی می باشد . و سرانجام، اقدامات صورت گرفته در هر دو بخش در جهت اصلاح مشکلات نهادها گام برمی دارند، یعنی گرفتن انگیزه ها و فرصت ها برای ارتکاب به فساد.

### **بخش عرضه**

برنامه های طرف عرضه فساد، بر به حداقل رساندن انگیزه ها و فرصت های پرداخت و فعالیت غیرمجاز به ویژه در بخش خصوصی تاکیدی نمایند. استراتژی های کلیدی عبارتند از:

### **سیستم های بنگاه داری صحیح و سالم در مؤسسات**

گرچه فساد برای دنیای تجارت زیان آور است، ولی شرکت های منفرد عامل به فساد از یک مزیت کوتاه مدت برخوردار می شوند . مهم برقرار ساختن نظامی است که ارتکاب به فساد را برای شرکت ها مشکل نماید، حتی اگر فساد خواستنی و مطلوب به نظر آید.

بنگاه داری شاید تنها ابزاری باشد که بیشترین تأثیر و کارایی را برای تحدید توانایی شرکت های بخش خصوصی برای ارتکاب به فساد دارد. بنگاه داری صحیح سیستمی را برپا می سازد که در آن شرکت ها امکان رشوه دادن پنهانی را از دست می دهند و به راحتی برای هرگونه خلافی بازخواست می شوند. ارزش های محوری بنگاه داری عبارتند از عدالت، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت، و مکانیزم هایی که در ساخت و ایجاد سیستم های بنگاه داری صحیح دخیل می باشند، راهنمای چگونگی رابطه و تعامل بین صاحب بان شرکت ها، مدیران، کارکنان و سایر ذینفعان خواهند بود. بنگاه داری صحیح تضمین می کند که مدیران در جهت منافع شرکت عمل کنند ، اعضای هیئت مدیره قضاوت صحیح داشته باشند، سرمایه گذاران اطلاعات بموقع و صحیح دریافت کنند، و اینکه تصمیم گیری پشت درهای بسته انجام نشود. بنگاه داری از طریق شفاف سازی عملکرد شرکت ها و وادار نمودن تصمیم گیران به پذیرش مسئولیت کارهای خود، تبادل رشوه یا

سایر منابع شرکتی با خدمات غیرقانونی ارائه شده توسط متصدیان دولتی را برای شرکت های خصوصی مشکل می سازد.

اگر چه بنگاه داری برای ایجاد شرکت های مسئولیت پذیر ابزار با ارزشی است، ولی استدلال می شود که این ابزار فقط در مورد شرکت های بزرگ کاربرد دارد و در مورد شرکت های کوچکتر که متعلق به يك نفر و یا چند شريك هستند به کار نمی آید. در چنین شرکت ها، تنها يك نفر مسئول ارائه رشوه و حفظ روابط مناسب و سودمندی با مقامات دولتی است و اغلب آن یک شخص قابل بازخواست نیست. حال این سوال مطرح می شود که "شرکت های کوچک با چه انگیزه ای ممکن است از اینکه تسهیل کننده فساد باشند دست بردارند، و اینکه آیا چنین انگیزه هایی در آنها ایجاد شده است؟"

از دو جهت می توان با این مشکل روبرو شد. دریک سو شرکت ها با اندازه های متفاوت بطور روزافزون تحت فشار قرار می گیرند تا در جوامع خود شهروندان خوبی باشند - که در این رابطه تلاش های مبارزه با فساد به همراه بنگاه داری مسئولانه، ستون های اصلی شهروندی سازمانی خوب می باشند. از آنجائیکه شهروند خوب بودن در جامعه فضایی برای رقابت و پیشی گرفتن از یکدیگر ایجاد می کند، معضل فساد جدی گرفته می شود. اگر این مفهوم شهروندی سازمانی بکار گرفته شود، فساد تبدیل به رفتاری می شود که می تواند منجر به واکنش معکوس مصرف کننده بشود - یعنی مصرف کنندگان شرکت ها را، از طریق مکانسیم های بازار، برای رفتاری که ناعادلانه تشخیص می دهند مجازات خواهند کرد.

همچنین می توان از سمت و سوی بنگاههای تجاری و اتاق های بازرگانی با این مشکل روبرو شد. شرکت ها با پیوستن به انجمن های حرفه ای و عضویت در آنها به دنبال دریافت کمک در زمینه تلاشهایشان برای رشد و توسعه هستند. در اینجا است که می توان مکانسیم های داخلی ایجاد نمود تا بر عملکرد شرکت های عضو نظارت بشود و هرگونه تخطی و انحراف از قوانین و مقررات به مجازات برسد. نظارت می تواند بر هزینه باشد، ولی تجزیه و تحلیل هزینه و سود يك یا دو شرکت که به سود نامشروع می رسند و کل صنعت که با هزینه های رقابت و کارآمدی روبروست، نشان می دهد که احتمالاً چنین نظارتی ارزشش را دارد. همچنین مجموعه قوانین رفتاری خودنظارتی، نظیر قوانینی که اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) برای اعضای خود وضع کرده است، نیز می تواند برای ایجاد مکانسیم های خودبازرسی در جامعه تجارت بین المللی موثر و کارآمد باشند.

**اصلاح استاندارد های حسابداری**

يك راهبرد كليدی ديگر برای مبارزه با فساد در طرف عرضه آن استانداردهای حسابداری است. این مقوله که اهميتش تا حدودی از نیاز به مکانیزم های بنگاه داری قوی تر ناشی می شود، اغلب مورد بی توجهی قرار می گیرد. گزارش مالی صحیح برای تلاش های مبارزه با فساد از اهميت حیاتی برخوردار می باشد، چون موجبات پنهانکاری پرداخت های غیر قانونی را مشکل می سازد، بویژه برای شرکت های که در بازارهای مختلف کار می کنند و به روش های متنوع و گنج کننده حسابداری دسترسی دارند. اهميت و نقش استانداردهای حسابداری همچنان بیشتر می شود، چراکه جهانی شدن بازارها تداوم دارد، شرکت ها به دنبال دسترسی به گنجینه بزرگتری از سرمایه گذاران می باشند، و اهميت اطلاعات کفیه دیگر محدود به موقعیت جغرافیایی و ظرفیت صنعت خاص نمی شود. توسعه بیشتر و پذیرش استانداردهای حسابداری بین المللی (IAS) می تواند منجر به همگرایی جهانی سیستم های حسابداری و حسابرسی شود.

### **اعمال قوانین رفتاری برای واسطه ها**

از آنجاییکه شرکت های چند ملیتی (MNCs) برای راهیابی به بازارها و فعالیت موفق در آنها، بطور فزاینده ای وابسته به واسطه ها هستند، درست همگن واسطه ها نمی بطور فزاینده ای از این وابستگی سوءاستفاده می کنند. چرکن سوءاستفاده ای بویژه در مجموعه های محلی آسان می باشد، جایی که شرکت ها به کمک نگاه دارند تا از عهده انجام مسائل مهم روزمره ای نظیر مالکیت، گمرک، ارسال کردن، مدیریت تماس ها و جمع آوری و دریافت وجوه پرداختی برآیند. اما وقتی عوامل شرکت های چند ملیتی (MNCs) خود نادرست و فاسد باشند، امانت داری این شرکت ها تهدید می شود، لذا بنگاه ها اغلب م توجه این نگاه می شوند که باید بر عملکرد عوامل (شان) نظارت کنند و از امانت داری آنها اطمینان حاصل نمایند. از آنجاییکه چنین نظارتی می تواند گران باشد، شاید راه حل مناسب ایجاد یک سیستم تشویق کننده، پاداش دهنده و مولد انگیزه باشد تا مانع از ورود فساد از طریق بازارهای محلی به سیستم بشود. با این روش سود کوتاه مدت حاصله از فساد همواره این تهدید را به همراه خواهد داشت که عامل مرتکب فساد، بالکل و برای همیشه از سیستم حذف و عزل بشود.

این گونه است اکده ای که در پس سازمان **عواملین شفاف و مؤسسات طرف قرارداد** (TRACE) قرار دارد. TRACE یک سازمان بین المللی غنی انتفاعی است که اعضای خود را از نظر فساد مورد بررسی قرار می دهد و سنجش های به عمل آمده را اعلان می کند، و همچنین

تبعیت از قوانین را آموزش می دهد و کارگاه های آموزشی ضد فساد برگزار می کند. اعضای آن واسطه های تجاری از قبیل عاملین فروش، توزیع کنندگان و تامین کنندگان می باشند. TRACE پی برد که شرکت ها مایلند در تمامی سطوح زنجیره عرضه خود عاری از فساد باشند و سرمستی را برپا نمود که به کمک آن یک محیط تجاری بین المللی امین و مبتنی بر صداقت برای مبارزه با فساد ایجاد نماید، محیطی که در آن امکن کار تجاری برای شرکت هایی حفظ می شود که درگوه فساد نباشند. TRACE یک بانک اطلاعاتی حاوی "شرکت های پاک" دارد و برای اعضای خود امکان بررسی سوابق عاملین درستکار را در سراسر جهان فراهم می آورد.

### **اجرا و تقویت قوانین ضد رشوه**

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال 1999 "کنوانسیون مبارزه با رشوه خواری مقامات دولتی خارجی در معاملات تجارت بین المللی" را به امضا رساند که این کنوانسیون یک گام مهم در مبارزه با فساد است. این کنوانسیون در حالی به امضا رسید که دنیای تجارت از آن به عنوان اقدامی استقبال کرد که خواهد توانست به حذف نابرابری رقابتی برای شرکت هایی کمک کند که به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات داخلی شرکت های بورس و عدم تعادل به "پرداخت مبالغ تسهیل کننده" در شرایط نابرابر قرار دارند. ولی کنوانسیون OECD تنها اولین گام است. فوریت مهمتر حصول اطمینان از آنست که قوانین کشورهای امضاء کننده وضعیت مناسب و قابل قبولی پیدا کنند و اینکه این کشورها اجرای مناسب این قوانین را عملی سازند.

کنوانسیون ضد رشوه خواری OECD چنان مهمیزی تلاشهای بخش خصوصی را برای کاهش دادن رشوه خواری شتاب بخشید. علاوه بر قوانین اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) برای مبارزه با رشوه خواری و اخاذی که پیشتر ذکر شد، و همچنین تلاش های TRACE برای مبارزه با رشوه خواری، یک تلاش با ارزش دیگر در این زمینه طراحی و تدوین اصول تجاری برای مبارزه با رشوه خواری توسط سازمان شفافیت بین المللی (TI) و سازمان پاسخگویی اجتماعی (SAI) است که با استفاده از اطلاعات ورودی از طرف شرکت ها، دانشگاهها، اتحادیه های تجاری و سایر سازمانهای غیر دولتی (NGOs) به انجام رسید. این اصول می تواند نقطه آغاز خوبی برای شرکت ها باشد تا یک فرهنگ داخلی مبتنی بر اعتماد و فراگیر ایجاد نمایند، که در آن رشوه دهی تحمل نمی شود و همچنین بر اساس این اصول سیستم ضد رشوه خواری موجود و فعلی خود را ارزیابی نمایند و بسنجند.

شایعترین اشکال فساد که این اصول مورد بررسی قرار می دهند عبارتند از: کمک های سیاسی و انساندوستانه، هدایا، پذیرایی های مهمان نوازانه، مخارج، و انواع دیگر پرداخت های تسهیل کننده. همچنین، اجرای این اصول مستلزم آنست که اعضای هیئت های مدیره رسماً قبول

مسئولیت نماید، و کانالهای استخباری مؤثری ایجاد نماید بدون آنکه خبررسانان را تنبیه و مجازاتی تهدید کند، برای بررسی و کنترل رشوه خواری، اطمینان از برقرار بودن ارتباط داخلی و آموزش سیستم های کنترل و نظارت درون سیستمی از جمله رویه های حسابداری رسمی را طراحی و ایجاد نماید، علاوه بر آن مؤثر بودن ارتباطات با خارج را تضمین کند.

### **سوی تقاضا**

فعالیت های این بخش در جهت حداقل نمودن علل و فرصت های زمینه ساز فساد در بخش دولتی و محدود نمودن توانایی افراد فاسد جهت اخذ رشوه و شبه پورسانت ها در قبال کمک غیرقانونی می باشد. روش های کلیدی عبارتند از:

### **ساده و روان ساختن مقررات قانونی و نظارتی**

از آنجاییکه مربع اولیه فساد مقررات غیرمؤثر و ناکارا می باشند، تلاش برای ساده سازی محیط های قانونی و نظارتی باعث می شود تا اقدامات مرکزی اقدامات ضد فساد را تشکیل دهد. هدف چنین تلاش هایی از بین بردن فرصت های فساد است، چه زمانی که مقامات دولتی در کاربرد قوانین قضاوت انتخابی و سلیقه ای خود را اعمال می کنند و چه زمانی که تجارت ها برای اجتناب از موانع نظارتی غیرضرور و پرهزینه سعی می کنند که به مرتصدیان دولتی رشوه بدهند. تلاش های انجمن ملی کار آفرینان و کارفرمایان اقتصادی (ANDE) که يك سازمان تجاری خصوصی داوطلب در اکوادور است، این رویکرد برای کاهش فساد را به تصویر می کشد. برای رسیدگی به وضع فساد گسترده و تأمین نیاز اصلاح قانونی در اکوادور، ANDE قوانین تجاری تکراری، متناقض و ناهمخوان را شناسائی کرد و پیشنهاد حذف آنها را داد. اتفاق مهمی که در اینجا افتاد این بود که نقطه تمرکز ANDE برخلاف رسم غالب، سرزنش کردن و نسبت دادن فساد موجود به يك گروه خاص نبود، بلکه آغاز اصلاحاتی بود که می توانست مسیر اقدامات پاکسازی شرکت های تجاری و مؤسسات را تغییر بدهد.

برای شناسایی ریشه های فساد، ANDE قوانین تجاری کشور اکوادور را بازنگری نمود، بوجه قوانین مربوط به بخش تولد، تجارت خارجی، تعیین و برقراری قیمت های رسمی در بخش خصوصی، و انتقالات فن آوری. مطالعات انجام شده توسط ANDE نشان داد که از زمان تأسیس جمهوری اکوادور در پیشتر از 150 سال قبل، تعداد 92250 نرم و اصل قانونی ایجاد شده است، که از این تعداد 52774 عدد در سال 1997 همچنان معتبر و لازم الاجرا بودند. تعداد بیش از حد قوانینی که تداخل و هم پوشانی دارند، و ناواضح و متناقض هستند موجب هرج و مرج و آشفتگی قانونی ایجاد کرده است و بکارگیری و اجرای قوانین را به یقین اختیار بوروکراتها سپرده است.

سازمان ANDE قبل از اینکه پیشنهادات اصلاح قانونی خود را به دولت ارائه نماید، حمایت از اتاق های بازرگانی، صنعت، مؤسسات مستقل کشاورزی، اتحادیه های کارگری، وزارتخانه ها و سازمانهای غیردولتی (NGOs) را تأمین و تضمین نمود. بخاطر فقدان اراده سرکسری و سرعت پایین تغییر سراسری و فراگیر در اکوادور، دولت فقط 25% تغییرات پیشنهادی توسط ANDE را اجرا کرد (بیش از 1300 قانون و مقررات)، بهر تقدیر اتاق بازرگانی کوئیتو، پایتخت اکوادور در حال اعمال فشار بر دولت جهت اجرای 75% باقیمانده می باشد.

تجربه ANDE و سایاتاق های فکر و سازمان ها نشان می دهد که آنها نقشی کلیدی در ساده و روان سازی قوانین ایفا می کنند. دولت ها اغلب، هنگام خروج مشکلات از حد کنترل، مجبور می شوند تصمیم های اتخاذ نمایند و اصلاحات واژگون "از بالا به پایین" را به اجرا گذارند. ولی این مشارکت و حرکت بخش خصوصی است که کلیدی برای تدوین و تعیین اصلاح قانونی و نظارتی است - بخش خصوصی به ثبات هایی را که مانع رشد تجارت می شوند و فرصت های فساد را برای کارکنان شرکت های تجاری و مقامات دولتی فراهم می نماید، بدون واسطه و از طریق تجربه دست اول و مستقیم می شناسد. چنین رویکرد ریشه ای اصلاح که از دل واقعه برمی خیزد، برای تقلیل فرصت های فساد به مراتب مؤثرتر از روش از بالا به پایین می باشد.

### **حمایت از سرکستم های دولت الکترونیک**

اگرچه دولت الکترونیک اگرچه نسبتاً جدیدی است ولی بطور فزاینده طی سالهای اخیر مورد محبوبیت واقع شده است. به لحاظ کاهش فساد، هدف اصلی سرکستم های دولت الکترونیک، شفاف سازی عملیات دولت از طریق تسهیل دسترسی به اطلاعات می باشد. چرخه سرکستم های کشورها اجازه می دهد تا فرصت های فساد را بکاهند، چون از آنجاییکه تمام کارها بطور الکترونیکی انجام می شود، اعمال نظر مقامات دولتی در ارزیابی ها بطور قابل ملاحظه ای محدود می شود، و زمان رسیدگی و پردازش کاهش می یابد. بطور همزمان، مکانیسم های دولت الکترونیک راندمان و بازدهی خدمات دولتی را افزایش می دهد، که این خود فرصت های را برای استفاده بهینه از منابع دولتی فراهم می سازد.

### **اصلاح نظامهای مالکیتی**

سطح بالای فساد اغلب با مقررات پیچیده مالکیت مربوط می باشد، و بعنوان یک اقدام موثر ضد فساد، اصلاح سرکستم های مالکیتی شایان توجه بیشتری هستند. اگرچه سرکستمهای شاق و پیچیده اخذ مالکیت، موجب ایجاد و ترویج فساد می شوند، تلاش های دولت برای علاج این معضل اغلب راه به خطا می برند. از طریق دریافت مالکیت، دولت ها به دنبال فراهم آوردن منابع

مالی جهت تأمین خدمات پایه و اساسی می باشند. ولی با همه گیر شدن فرارهای مالیاتی، منابع مالی سر از جیب مقامات فاسد دولتی در می آورند. حال به تبع مواجهه با کمبود بودجه، دولت ها، بنوبه خود، سعی در افزایش مالکیت ها می کنند، که این اقدام تنها به ترغیب بیشتر فساد و فرار مالیاتی و پرداخت رشوه به جای مالیات منجر می شود. در مواجهه با نرخ های پیچیده و بالای مالیاتی، گاهی اوقات شرکت های تجاری به ناچار در جستجوی فرصت های رشوه دهی به مقامات دولتی می باشند، چراکه اجتناب از پرداخت مالکیت های سنگین امتیازی در میدان رقابت محسوب می شود - اگر قرار باشد که یک شرکت سهم کامل خود از مالکیت ها را پرداخت کند، این باعث خواهد شد تا توان رقابت را در بازار از دست بدهد، چراکه دیگر شرکتها یا با تقلب مالیات کمتری می پردازند یا اینکه در نواحی مجاور با نرخ مالیاتی پایین تری روبرو هستند.

ساده سازی قوانین و مقررات مالیاتی از دو طریق باعث کاهش فساد می شود - اول از طریق تحدید توانایی متصدیان دولتی برای اعمال نظر شخصی در بکارگیری مقررات مالیاتی و دوم از طریق کاهش فرار مالیاتی (افزایش تعهد مالیاتی) بواسطه مالیات های پایین تر.

اصلاح نظام مالیاتی در بسیاری از کشورها به سود بخش خصوصی بوده است. اغلب، تغییرات مهمتر در سطح محلی روی می دهند، جایی که کارفرماها و مؤسسات کوچک و کثرتلاف های مربوط به بنگاه های حرفه ای قادرند تا برای اعمال اصلاحات کوچک ولی مهم در قوانین مالیاتی با دولت همکاری نزدیک و مستقیم داشته باشند. به عنوان مثال، در کوزوو، یک اتاق فکر محلی، یعنی موسسه سرمایه گذاری مجدد برای تحقیقات توسعه، در یک همکاری با سازمانهای تجاری محلی و سرکست گذاران سعی نمودند تا بار تحمیل شده به جامعه تجاری، این پرداخت کننده اصلی مالیات به صندوق درآمد دولت، را مرتفع نمایند. در نتیجه قانونگذاران مبنای مالیاتی را گسترده کردند، و در نتیجه تغییراتی در مالکیت بر دارایی، مالیات بر دستمزد و مالیات بر سود اعمال کردند. در اوکراین، مرکز تحقیقات سرکستی مستقل (UCIPR) و مرکز تحلیل همافس کننده سازمانهای تجاری اوکراین (CAC) در سال 2000 یک برنامه حمایتی برای تعدیل و اصلاح سرکستم مالیاتی در اوکراین آغاز کردند. UCIPR و CAC از طریق افزایش آگاهی مردم، بسیج کارفرمایان و تلاش برای ایجاد گفتگو بین بخش دولتی و خصوصی، موفق شدند تا از سرکست گذاران تعهداتی بگیرند برای اصلاح قوانین مالیاتی به گونه ای که علاوه بر تغییرات دیگر، شامل تعیین یک مالیات ثابت و میانگین برای شرکتهای تجاری کوچک نیز بشود، که بعداً به این تعهدات عمل شد.

**کاستن موانع بر سر راه راه اندازی و اداره یک شرکت تجاری قانونی / رسمی**

مراحل و فرآیندهای ثبت یک شرکت تجاری زمکنه ای از فرصت های فساد فراهم می سازد. یکی از اولهن شرکای سازمان بین المللی تجارت خصوصی (CIPE) که تحقیق در مورد اثر منفی فرایند سخت گیرانه ثبت شرکت را به انجام رساند موسسه آزادی و دموکراسی (ILD) در پرو بود. در اوائل دهه 80، هرناندو دو سوتو، رهس موسسه ILD تصمیم به راه اندازی یک شرکت تجاری کوچک گرفت و سعی کرد مجوز آنرا درکفت کند. وی با کمک پنج دانشجو که روزانه چند ساعت را در پیچ و خم ادارات بوروکراتیک پرو صرف کردند، کشف نمود که برای کسب مجوز قانونی برای شروع به کار شرکت 289 روز وقت صرف شد و 31 برابر حداقل دستمزد ماهانه هزینه شد. پس از آن، روش مشابهی در بسکوی از کشورها به انجام رسید و نتیجه هر بار همان بود - در واقع ثبت شرکت از دو طریق فساد را تسهیل می کند: بطور مستقیم، با مجبور کردن کار فرمایان به پرداخت رشوه به مقامات دولتی جهت تسهیل فرآیند ثبت، و بطور غیر مستقیم با مجبور کردن کارآفرهان به ورود به اقتصاد غیررسمی، که بقای در آن در اغلب مواقع مستلزم پرداخت رشوه می باشد.

با بررسی مراحل ثبت تجارت و تاثیر آنها بر سطوح فساد، می بینیم که مشکل به تدریج به یکی از هزینه های داد و ستد گسترش می یابد - یعنی محدودت های که بعد از ثبت شرکت به آن تحمیل می شود، نظیر قوانین کار و تعهد به اجرای قرار دادها. به کلام ساده، وقتی هزینه های رعایت قوانین و مقررات رسمی فراتر از منافع باشد، شرکت ها در صدد یافتن یک راه حل "مقرون به صرف تر" برای مشکل خود برمی آیند، و اینگونه است که فساد نهادینه می شود.

### **روانسازی مراحل بازرسی شرکتهای تجاری**

کئی از معضلات و پیچیدگی های بخش غیررسمی که دامنگیر اقتصاد رسمی نیز هست، ایرهت که شرکت های تجاری به کرات مورد بازرسی دولتی واقع می شوند. در بسکوی از کشورها اقتدار بازرسی آنقدر بالاست که آنها قادرند شرکت ها را برای یک دوره کوتاه مدت ببندند، حتی به بهانه ی ظن به ناهمخوانی با مقررات، هرچند این ظن نامربوط و غیر منطقی باشد. لذا این موضوع شرکت ها را وادار به رشوه دادن می کند، چراکه حتی یک بسته شدن چند روزه می تواند، بویژه برای کارفرمایان کوچک، به معنای خروج شرکت از دنیای تجارت باشد. بنابراین محدود نمودن تعداد بازرسی ها و آژانس های بازرسی یکی گام مهم در کاهش فساد است. بعنوان مثال، در روسیه، جایی که بازرسی ها در سالهای اخیر از لحاظ دامنه و اقتدار افزایش داشتند، تلاش های ضد فساد منجر به صدور قانونی شد که بازرسی دولتی را از بستن شرکت های تجاری به صرف ناهمخوانی با قوانین و مقررات منع نمود، با استثنائاتی نادر.

در اوکراین، UCIPR، در جریان مبارزات ضد فساد خود، به بهبود و اصلاح وضع بازرسی های فراوان و مستبدانه کمک کرده است. در اواخر دهه 90، UCIPR با اعتقاد به تأثیر گسترده فساد بر محیط های اقتصادی و سیاسی، یک مبارزه چند جبهه ای را در جهت حمایت از افزایش آگاهی از این معضل آغاز نمود، و با هدف تأمین جرکت آزاد اطلاعات برای شهروندان و تصمیم سازان روند اصلاحات چند اقدام را پیشنهاد داد، که این همچنین بستری را برای مباحثه در مورد فساد فراهم ساخت. در یک تلاش متحد و همگام، UCIPR ائتلافی از رهبران سیاسی، سازمان های غیر دولتی (NGOs)، و اتاق های فکر را گرد هم آورد و با همکاری آنها کوشید تا سطح آگاهی و تعهد برای مبارزه با فساد را بالا ببرد. در نتیجه، دولت قوانین سختگیرانه تری را در مورد بازرسی اعمال نمود و بطور قانونی تعداد بازرسی های سالانه را از 100 به 22 مورد کاهش داد.

### **اصلاح نظام گمرکی**

گمرک، بویژه در کشورهای دارای بازار بسته که شدیداً کنترل شده، یکی از دوائر دولتی شدیداً مظنون به فساد می باشد. مدیریت کارآمد گمرک یکی از کلیدی های توسعه موفق کشور است، چراکه گمرک مستقیماً با تجارت خارجی و پرداخت عوارض و مالکیت مرتبط می باشد. اصلاح دوائر گمرک از جمله ضروریات برای کاهش فرصت های فساد در زمینه هایی نظیر صدور مجوز صادرات/واردات، فرار از پرداخت تعرفه های گمرکی و جداول تخفیف، و قاچاق کالا می باشد. در سال 2001، مرکز مطالعات دموکراتیک آزاد (CLDS) بلگراد، بعنوان یک اتاق فکر مستقل واقع در صربستان، وظیفه دشوار اصلاح یکی از فاسدترین دوائر را در آن کشور به عهده گرفت - یعنی واحد اجرا گمرک - جایی که طبق بررسی های اولیه، بیش از 50% کارکنان به طرقی درگیر فساد بودند. در مراحل اولیه این پروژه اصلاح، CLDS ترتیب انجام تحقیقات و برگزاری جلسات عمومی را داد، تا بدینوسیله بحث و بررسی همگانی بپایان فساد و اثرات منفی اجرائیات گمرک فاسد بر توسعه اقتصادی صربستان را ترغیب نماید. CLDS سپس به دقت ساختار گمرک و فعالتهای آنرا بررسی نمود و از این طریق فهرستی از علل ریشه ای رفتار فاسد در گمرک را به دست داد: دستمزد کم کارکنان گمرک، فرهنگ فساد، فقدان قوانین و/یا مکانیزم های اجرایی که متصدیان دولتی را در قبال رفتار فاسد مسئول بشناسد، منابع ناکافی، سرکسست های حفاظت مآبانه ملی و کذب طریقی دیگر سرکسست محدودکننده تجارت خارجی، مراحل و رویه های پیچیده گمرکی، و عوارض گمرکی بالا و متنوع با معافیت های متعدد. CLDS در ارتباط با قوانین، مقررات و رویه های موجود اجرائیات گمرک توصیه های اصلاحی زکلی را در اختیار دولت قرار داد. این پیشنهادات متمرکز بودند بر: اصلاح ساختار دستمزد و ایجاد یک مبنای برخورداری از تشویقی برای مقامات گمرک، برقراری یک سرکسست نظارتی برای شفافیت

تمام مراحل و روندها، معرفی مجموعه قوانین و استانداردهای اخلاقی برای کارکنان، اجرای مجازات های سنگین برای کارکنان فاسد، تهیه و تنظیم دستورالعمل هایی برای اقدامات ضد فساد بخش روابط عمومی، و در نظر گرفتن و تدارک تشویقی هایی برای "مشتریان" اجرائیات گمرک، با هدف افزایش فشار مبارزه با فساد بر کارکنان اجرائیات.

### **اصلاح دوائر دولتی**

در پرتو این تلاش ها برای اصلاح دوائر گمرک، آنچه اهمیت دارد کاربرد تلاشهای مشابه در اصلاح سایر دوائر دولتی کلیدی می باشد. همانطور که گفته های CLDS نشان می دهند، ایجاد فرصت های فساد اغلب ناشی از سازمان های داخلی ضعیف و فقدان نوآوری در دوائر دولتی می باشد. اینها از جمله موضوعاتی هستند که بایک به آنها پرداخته شود: اجرا و تحقق مجموعه قوانین رفتاری، نهادینه کردن استانداردهای استخدامی و سنجش عملکردی شفاف، درست و آسان، افزایش دستمزد، انجام حسابرسی های منظم، حکم بازرسی و افشای اموال شخصی کارکنان دولتی، استخدام نیروهایی با امانت داری بالا، و تشکلهای کم هزینه های ضد فساد خودمختار.

### **اصلاح سرکست های خرید و تدارکات**

فراخدهای فاسد در حیطه تدارکات هزینه ای بر دوش دنیای تجارت و جامعه هستند، چنانکه شرکت هایی که در سازمان ها آشنا و پارتی دارند به بقای تجاری خود ادامه می دهند و این کارآمدترین شرکت ها هستند که تقریباً همگیشه وادار به کناره رفتن شده و از دور خارج می شوند. جهت مبارزه با فساد بوژه در سطوح و رده های بالا، ایجاد قوانین سالم و صحیح برای بخش تدارکات مهم می باشد، به گونه ای این قوانین الزام به انجام مزایده ها و مناقصات آزاد را تأمین نمایند. هسته مرکزی چرخه قوانینی عبارت است از تلاش هایی برای حذف قدرت اعمال نظر مقامات دولتی در نحوه اجرای مراحل مزایده، آزاد و علنی ساختن فرایند مزایده، و افشای کامل تمامی مراحل انجام مزایده و شرایط شرکت در آن.

مثلاً در اواسط دهه 90، موسسه آزاد ره دو ژانگو (ILRJ) سرپرستی پروژه ای را بر عهده داشت با نام "کاهش هزینه های معاملات در برزیل". ILRJ از طریق مطالعات انجام شده توسط اقتصاددانان خود مستنداتی فراهم آورد مبنی بر اینکه بوروکراسی سنگین و فقدان شفافیت هزینه های زحمتی را به دنیای تجارت تحمیل می کنند و منافع مصرف کنندگان را کاهش می دهد. برای رسیدگی به این مشکل، ILRJ چند اصلاحیه را پیشنهاد داد، که هفت مورد توسط سرکستگزاران پذیرفته شد. این سرکست ها عبارت بودند از: انتشار و اطلاع رسانی بهتر قوانین مزایده، کاهش قدرت اعمال نظر بوروکرات ها، تبیین صحیح تر و بهتر مفهوم اقتدار در تصمیم

گهی، رقابت به‌تر در بحث قراردادهای شرکت کننده در مزایده، ضوابط و ملاک های گسترده تر برای ارزیابی پیشنهادات مزایده، و چشم پوشی از شرایط شرکت در مزایده تنها در موارد فوری و ضروری. در نسخه پروژه ILRJ، تغییرات قانونی مهمی برای کاهش هزینه های معاملات در برزیل به تصویب رسیده. شایع‌ترین اتفاق، تصویب قانونی بود که توانایی شرکت کنندگان را برای تبانی (گاویندی) و تثبیت قیمت ها در حین انجام فرآیند مزایده در بخش دولتی کاهش می داد. قانون وضع شده دیگری نیز فرایند قضایی روند پیگیری و اجرای قوانین را تسهیل نمود که این مورد به تنهایی سالانه 2 میلیون پرونده را تحت تاثیر قرار می دهد. این قانون تعداد جلسات دادرسی را برای هر مورد از سه جلسه به یک جلسه کاهش داد، که این باعث کاهش چشمگیر هزینه های معاملات قضایی شد.

در سطح محلی، تلاش های مشابهی می تواند در کاهش فساد و ایجاد مسیری هموار برای معاملات بازار عادلانه و شفاف موثر باشد. مثلاً کنفدراسیون اتاق های بازرگانی در کلمبیا (Confecámaras) در اواخر دهه 90 پی برد که کلمبیدارای مجموعه ای جامع از قوانین، هنجارها و ابزارها برای ردیابی و آشکار سازی، کنترل و مجازات فعالیت های فسادآمیز است. با این وجود، این مکانیزم ها اغلب به کار گرفته نمی شدند، که این تا حدی به خاطر ترس از واکنش تلافی جویانه از سوی سیاست مداران حاکم و فاسد بود. بنابراین Confecámaras تلاش نمود تا تدابیری اتخاذ نماید که ضامن به کارگیری و اجرای اقدامات ضد فساد در سمت عرضه تساوی فساد - یعنی بخش خصوصی باشند.

Confecámaras با شرکت های تجاری محلی همکاری نمود تا مقررات و قوانین رفتاری شفافیتی برای فرایندهای خرید ایجاد نماید و منافع تبعیت از این قوانین را نشان دهد. با استفاده از اطلاعات ارائه شده توسط رهبران تجاری محلی، Confecámaras آیین نامه اخلاقی رفتاری محلی را تهیه و تدوین نمود، که تنها در سال اول 1000 بازرگان داوطلبانه آن را امضا کردند. برای تضمین شفافیت در خریدهای بخش دولتی Confecámaras همچنین طراحی و تدوین معاهدات تعهد به امانت داری را پیشنهاد نمود. در سال اول، مجموع 12 معاهده امانت داری مابین شرکت های تجاری محلی و دولت ها به امضا رسید، و ارزش کل قراردادهایی که با ا لزام به مفاد معاهده امانت داری با شهردار شهر مانیزالس (Manizales) به امضا رسیدند به 1,039,200 دلار امریکا رسید.

### **فرا سوی بخش های عرضه و تقاضای فساد**

تدابیری وجود دارند که طرح ریزی شده اند تا از طریق آشکار سازی و اجرا، فساد را در هر دو سوی تساوی عرضه و تقاضا کاهش دهند.

## **افزایش آگاهی در بین طرفهای ذینفع کلیدی در مورد نگر به اصلاح**

مهم است که از طریق انجام تحقیقات، نظرسنجی ها، و مبارزات ارتباطی، هزینه های فساد به نمایش گذاشته شوند، نه فقط برای دولت و تجارت، بلکه برای بخش وسیع تری از جامعه، و مشارکت مشترک بخش های دولتی و خصوصی در طراحی و اجرای اصلاحات ضد فساد مورد حمایت قرار گیرد. ارتباط نقش کلیدی دارد، چراکه تلاشهایی که اطلاعات و حمایت همه طرفها را دربرنمی گیرند در عمل با شکست روبرو می شوند. لذا برگزاری مری گردها و کنفرانس ها با گروههای جامعه مدنی، دنیای تجارت و مقامات دولتی برای جلب توجه طرف های ذینفع به موضوعاتی خاص نقش مهمی را ایفا می کنند. انتشار مطالب ضد فسادی که اقدامات موفقیت آمیز در این زمینه را به تصویر می کشند، نشان می دهد که مبارزه با فساد، ناامید کننده نمی باشد و جامعه تجاری، گروه های جامعه مدنی و مقامات دولتی می توانند همه برای کاهش فساد با هم همکاری کنند.

## **تربیت روزنامه نگاران جهت شناسایی و گزارش کردن فساد، و اصلاح دسترسی به اطلاعات**

مطبوعات و رسانه های پرسشگر و اهل نقش یکی از کلیدهای افشاسازی فساد و مبارزه با آن می باشند. رسانه ها و مطبوعات بای مستقل باشند و قوانین حامی و حافظ روزنامه نگاران، نظیر حق محرمانه نگهداشتن منابع و آزادی بیان، بایستی اجرا شوند. با اینحال، روزنامه نگاران بای فقط بوا افشا و معرفی افراد فاسد تمرکز کنند بلکه بای فساد و هزینه های آنرا از نقطه نظر اقتصادی توضح دهند و تبیین نمایند، و موارد کشف شده را تا حصول اطمینان از مجازات عاملین و افراد مجرم دنبال نمایند.

بطورمثال، در آمریکای لاتین در دهه 90، به جز چند استثناء، در سایر موارد گزارش رسانه ها و مطبوعات در مورد فساد، از بین تمامی راههای افشای فساد بوروکراتیک، بیشترین تأثیر را داشتند. با اینحال، این گزارشات اغلب گزینشی، ناقص، تأثیرگرفته از گرایشهای ایدئولوژیک، و حتی نادرست بودند، که علت آن سانسور داخلی توسط سردبیران و صاحبان رسانه ها بود که یا وابسته به احزاب حاکم و نخبگان اقتصادی بودند یا تسلیم فشار آنها می شدند. برای رسیدگی به این مسائل، سازمان منطقه ای موسوم به روزنامه نگاران بر علیه فساد (PFC) در آگوست سال 2000 آغاز به کار کرد. چشم انداز و غایت پروژه PFC این بود که امیدبخش ترین وسیله مبارزه با فساد در آمریکای لاتین - یعنی روزنامه نگاران نگران را تقویت نماید.

سازمان PFC به کمک محل مقایسه و تبادل اطلاعات رو به توسعه و فعال آن لاین بدل شده است، به یک شبکه، یک مرکز ارائه دهنده خدمات و یک سیستم حمایتی برای روزنامه نگاران و رسانه های آمریکای لاتین، که اخبار مربوط به فساد را در منطقه پوشش می دهد. این سازمان برای روزنامه نگاران محلی را فراهم می کند تا آنها در آنجا موفق به دریافت و تبادل اطلاعات، برقراری تماس و برخورداری از کمک تحقیقاتی بشوند، و همچنین از شبکه منطقه ای بهره مند شوند، و شیوه مبارزه مؤثرتر با فساد و نحوه حمایت کردن از اقدامات ضدفساد را بیاموزند. بعلاوه PFC اطلاعات مربوط به وضع قوانین، تصمیمات دادگاه ها و اقداماتی که تحقیقات و گزارش درباره فساد را تسهیل می نمایند و یا برعکس با مانع مواجه می سازند، را زیر نظر داشته و منتشر می نماید.

سازمان PFC همچنین در مقام دفاع از روزنامه نگاران و رسانه هایی که به خاطر انتشار و پوشش اخبار در مورد فساد قربانی انتقام و تلافی جویی قرار می گیرند، بر می آید و به نمایندگی از آنها وارد عمل می شود. سازمان PFC از طریق مرور روزانه 50 روزنامه منتشره در کشورهای اسپانیایی زبان منطقه آمریکای لاتین و جمع آوری نامه های سردبیران و مقالات در مورد فساد و مباحث منتشره در مطبوعات آزاد، قادر بوده است تا موجب ترغیب تحقیقات فرامرزی و گسترش دانش نسبت به فساد در منطقه شود و خود نیز در این امر سهیم باشد.

افزایش فشار بر مقامات دولتی در منطقه نتیجه و دستاورد تلاش و عملکرد PFC بوده است. از آنجاییکه انتشار و پوشش اخبار فساد در ادارات دولتی منطقه افزایش یافته و کارآمدتر شده است، یک آگاهی عمومی در حال افزایش نسبت به مسئله و حمایت رو به رشد مردمی از اقدامات ضد فساد بروز کرده است. با زنده نگه داشتن گزارش های رسانه ای در مورد فساد، سازمان PFC به روزنامه نگاران و رسانه ها کمک می کند تا دولت ها را برای اجرای اصلاحات شفافیت و سایر قوانین تحت فشار بگذارند، و همچنین نهادهای قانونگذار و قضایی را به اقدام علیه فساد از طریق اطلاع رسانی عمومی درباره فعالیتهایشان وادار نمایند.

از سپتامبر 2000، سازمان PFC به بیش از 700 تقاضای روزنامه نگاران برای کمک تحقیقاتی پاسخ مثبت داده است که این کمک ها مربوط می شدند به موارد خاصی از فساد، اجرای تحقیقات اینترنتی، ایجاد سیستم های شبکه ای متناسب با نیاز، و تشویق و تسهیل همکاری دو جانبه به روزنامه نگاران. حدود 70% این موارد دربرگیرنده ارتباطات بین مرزی بود. در طی همان 40 ماه، PFC همچنین به 250 تقاضای روزنامه نگاران برای دادن اطلاعات عمومی بیشتر و ارائه راهبردهای جهت تحقیق پاسخ مثبت داد، که این اطلاعات و راهبردها دربرگیرنده موضوعاتی بودند از قبیل منابع مالی آلوده دولت، انتصاب خویشان و نزدیکان، استفاده نادرست از منابع دولت در مبارزات انتخاباتی، و گزارشهای در مورد دسترسی به اطلاعات و سای مطبوعات، و قوانین ضد

فساد و ناهمخوانی‌ها. این کمک تحقیقاتی نوآوری غافلگیرانه و تداوم پوشش خبری توسط مطبوعات ملی را در کشورهای آمریکای لاتین آسان نموده است که منجر به تحقیقات دولتی درباره فساد روسای جمهور سابق کوری آرنولدو آلمان (بکاراگوئه)، لوئیس گنزالز ماچی (پاراگوئه)، و گوستاوو نوبوا (اکوادور)، و همچنین رئیس جمهوران آلفونزو پورتیجو (گواتمالا)، انریک بلانوس (نیکاراگوئه)، آبل پاچکو (کاستاریکا) و لوس گوگویی (اکوادور). رهس جمهور سابق آلمان (Alemán) به اتهام چندین فقره فساد محکوم شناخته شد و در دسامبر 2003 به 20 سال زندان محکوم شد.

برای توسعه و ترویج شفافیت در دولت تضمین دسترسی شهروندان به اطلاعات نیز از اهمیت برخوردار است. در اواسط دهه 90، مرکز آزادی مطبوعات و مسئولیت (CMFR) مستقر در فلیپین، در 6 کشور جنوب شرق آسیا (کامبوج، اندونزی، مالزی، فلیپین، تایلند، و سنگاپور) شروع بکار کرد تا دسترسی به اطلاعات اقتصادی در منطقه را بهبود بخشد و ارتباط بین دسترسی شفاف به اطلاعات تجاری و کاهش فساد و افزایش پاسخگویی بنگاه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. مرکز CMFR جلسات مناظره گروه‌نخبگان متشکل از مقامات دولت، رهبران تجاری، افراد دانشگاهی و اعضای رسانه‌ها را در هر یک از پایتخت‌های کشورهای فوق رهبری و برگزار نمود. سپس یک اجلاس منطقه‌ای در اکتبر 1997 در مانگه برگزار شد، و نتایج مناظره‌ها در آنجا عرضه شد و شرکت‌کنندگان پیش‌نویس یک راهبرد منطقه‌ای برای کاهش فساد و انتصاب آشنایان از طریق دسترسی شفاف به اطلاعات تجاری و اقتصادی را آماده نمودند. در نتیجه، CMFR موفق به جلب توجه اذهان به اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات در کشورهای درگیر شد - که این اولین تلاش رسانه‌ای از این دست در جنوب شرق آسیا بود. امروز، اعمال قانون آزادی اطلاعات (FOIA) ملی بطور فزاینده‌ای در بین قانونگذاران این منطقه بحث می‌شود، و در اندونزی، پارلمان در حال حاضر در حال بررسی پیش‌نویس این قانون می‌باشد.

### نکته کلیدی

فساد اغلب بعنوان یک مسئله اجتماعی در نظر گرفته می‌شود زیرا تعاریف فساد گوناگون می‌باشند و آنچه که برخی از کشورها فساد تلقی می‌شود می‌تواند در کشورهای دیگر یک رفتار اجتماعی قابل قبول باشد. فساد همچنین اغلب بعنوان ابزاری برای اجتناب از مقررات ناکارآمد، غیرمفید و ضررآفرین موجه جلوه داده می‌شود و حتی در برخی از کشورها به عنوان کمک‌کننده رشد اقتصادی به حساب می‌آید، همانطوری که در دهه 90 برداشت از فساد در آسیا اینگونه بود. ولی واقعیت اینست که فساد سرمستم‌های اقتصادی ناکارآمد، ضررآفرین و ناتوان در رقابت را ایجاد می‌کند و نهادهای دمکراتیک را تهدید می‌کند.

فساد یک مسئله اقتصادی و نه اخلاقی است. بنابراین، مبارزه با فساد مستلزم دیدن هزینه‌هایی است که بر دنیای تجارت، دولت‌ها، و جامعه تحمیل می‌کند، و همچنین مستلزم استقرار مکانیزم‌های بنگاه‌داری صحیح هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی می‌باشد. چرخه مکانیزم‌هایی فرصت‌های ارتکاب به فساد را از بین می‌برند و متصدیان و شرکت‌های دولتی فاسد را وادار به پذیرش مسئولیت اعمالشان می‌سازند.

از آنجاییکه فساد مشکل هر دو بخش دولتی و خصوصی می‌باشد، هر دو بخش با عسستی بر علیه فساد اقدام نمایند. صرف مقصر شمردن طرف دیگر برای فساد، که کاری است متداول، مشکل را حل نمی‌کند. همچنین، تمرکز اقدامات ضد فساد نباید بر حذف موردی افراد فاسد باشد. چنین اقداماتی صرفاً یک درمان علامتی برای مشکل بزرگتر اصلی می‌باشند. به جای آن، اقدامات ضد فساد بای به سرمنشاهای ریشه‌ای فساد بپردازند - یعنی به نهادهای ناکارآمد. ایجاد یک نظام متشکل از نهادهای قوی و متوازن، به کاهش فساد از طریق ایجاد مجموعه‌ای از ساختارهای پاداش‌دهنده و تشویق‌کننده می‌انجامد، ساختارهایی که در آنها تبعیت از قانون پرهزینه نیست و رفتار فاسد رذیابی و مجازات می‌شود.

توجه ویژه‌ای بای به اجرای قوانین مربوط داشت. در بسیاری از سیستم‌های فاسد، اقدامات ابتکاری با ارزشی وجود دارند که منجر به طراحی و تدوین قوانین و مقررات مطلوب می‌شوند. با این وجود، اگرچه اقدامات ضد فساد اغلب موفق به پیشبرد اهداف خود به صورت وضع قوانین می‌شوند، ولی این قوانین سر از زندگی روزانه در نمی‌آورند، چراکه اعمال قانون ضعیف است. همچنین، بخش‌های دولتی و خصوصی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) باعسستی تلاش‌های خود را بر کاهش تعداد قوانین و جایگزینی آنها با قوانین کارآمدتر متمرکز کنند، و نه معرفی راهکارها و تدابیر جدید که منجر به دوباره‌کاری و تناقضات قانونی می‌شوند.

روکرد برکادی و نهادمحور برای مبارزه با فساد که اصلاحات را نمی‌توان به سادگی از سایر کشورها وارد کرد. سازمان‌های تجاری و اتاق‌های بازرگانی نقش کلیدی را در تعویق ساختارهای تشویق‌کننده ایفا می‌کنند، زیرا این کارفرمایان هستند که بطور مستقیم و بی‌واسطه ناکارآمدی‌های ساختارهای اقتصادی و قانونی و فرصت‌های رشوه‌خواری برآمده و منتج از آنها را می‌شناسند. اگر قرار است که اقدامات ضد فساد موفقیت‌آمیز باشند، بایستی که وسعت تجربه به‌المللی را با دانش با ارزش محلی در هم آمیخت.

اقدامات لازم جهت مبارزه با فساد باعسستی از سوی بخش خصوصی، و همچنین از سوی دولت‌ها و گروه‌های جامعه معدنی آغاز شوند. جامعه تجاری، با شناخت و درک نقش خود، به تلاش‌های موفق‌آمیزش ادامه می‌دهد، نه فقط برای اصلاح ساختارهای برکادی بیرونی، بلکه همچنین برای ایجاد مکانیزم‌های داخلی که بقا و دوام فساد را در درون بخش خصوصی دشوار و

غیرممکن می سازند. چالش سالهای آهده تضمین این امر است که این تنها تعداد معدودی از سازمانهای بخش خصوصی نیستند/نباشند که فعالانه در مبارزه با فساد مشارکت دارند. برای کاهش فساد، یک تعهد گسترده توسط بخش خصوصی، بدون توجه به اندازه، صنعت و محل ضروری و حیاتی است.